جشنواره‌گردی

مانند هر سال حواشی و اتفاقات جشنواره فیلم فجر بعضا پررنگ تر از متن هستند. حاشیه‌هایی که در روز ششم از اکران سه فیلم (یلدا. جمشیدیه. مردی بدون سایه) در سینمای رسانه‌ها با تم اصلی قتل و قصاص آغاز می‌شود و به ماجرای ادعای برخی خبرنگاران مبنی بر محافظه کار بودن مجری نشست‌ها (محمود گبرلو) در نخواندن تمام سؤالات مطرح شده ختم می‌شود. مهم‌ترین و تازه‌ترین اتفاقات و حواشی جشنواره فجر را بخوانید.

فیلم‌هایی در شأن ۴۰ سالگی انقلاب

نادر طالب‌زاده که در جریان برگزاری سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر در سینمای رسانه حضور یافته بود، در گفت‌وگوی کوتاهی دیدگاه خود را درباره سینمای ایران و جشنواره سی و هفتم بیان کرد. این فیلمساز در گفت‌وگو با ستاد خبری سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، در پاسخ به این سؤال که سینمای ایران در ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی چقدر توانسته به اهداف انقلاب نزدیك شود گفت: «انصافا به خوب جایی رسیده‌ایم و من از بین این چند کاری که دیده‌ام همه در فرم و محتوا خوب بودند. در این ۴۰ سال بدون هیچ اغراقی تکاملی در سینمای ایران اتفاق افتاده است.»

پایان فیلم گنگ نیست

نشست خبری فیلم «مردی بدون سایه» با حضور علیرضا رئیسیان (کارگردان و تهیه‌کننده) و عوامل فیلم با اجرای محمود گبرلو در آخرین سئانس از ششمین روز از جشنواره برگزار شد. نشستی که در نوع خود جالب بود.

علی مصفا در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که به دلیل رقابتی بودن جشنواره چرا بازی‌های شما در این دوره یکنواخت است جواب داد: جشنواره مسابقه ورزشی نیست. یعنی باید در یك فیلم یك جور اظهار تعجب می‌کردم و در این فیلم طور دیگر؟!

رئیسیان نیز درباره پرسشی مبنی بر پایان گنگ فیلم گفت: پایان فیلم روشن است و گنگ نیست.

«تختی» دست مریزاد دارد

محمدرضا طالقانی، پیشکسوت کشتی ایران در سینما آزادی به تماشای فیلم «غلامرضا تختی» نشست و از تماشای آن بسیار لذت برد. این پیشکسوت کشتی ایران درباره روایت بخش‌هایی از زندگی جهان‌پهلوان تختی گفت: آقا تختی همیشه برای مردم اسطوره بوده و هست و پرداختن به زندگی او در فیلمی سینمایی قطعا جذاب است و خوشحالم بالاخره فیلمی درباره او ساخته شد که در آن هنرمندانه به زندگی جهان پهلوان تختی نگاه شده. آن‌طور که ایسنا گزارش داده، طالقانی در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به زندگی غلامرضا تختی در این فیلم خاطرنشان کرد: با دیدن این فیلم، خیلی‌ها با ابعاد شخصیتی او آشنا می‌شوند و پاسخ پرسش‌هایشان را می‌گیرند.

«ماهورا» در شبکه نمایش خانگی

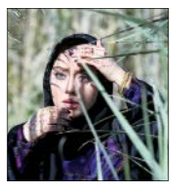

«ماهورا» یکی از فیلم‌های بخش مسابقه سال گذشته جشنواره فیلم فجر و ساخته حمید زرگرنژاد بود که حوالی سال ۵۹ اتفاق افتاده است. قصه فیلم برمی‌گشت به سال‌های جنگ تحمیلی ایران و عراق که طی آن زرگرنژاد اتفاقی در جنگ تحمیلی را با داستانی عاشقانه پیوند می‌زند.

آن‌طور که سینماپرس می‌گوید، فیلم سینمایی ماهورا به نویسندگی و کارگردانی حمید زرگرنژاد و تهیه‌کنندگی علیرضا جلالی و حمید آخوندی امروز (۱۷ بهمن) توسط شرکت تصویر دنیای هنر در شبکه نمایش خانگی کشور توزیع می‌شود. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «در زندگی تو زنی است با چشمانی شکوهمند که لبانش خوشه انگور و لبخندش موسیقی و گل، اما هرکس بخواهد به او نزدیك شود ناپدید می‌شود.» ماهورا از جمله فیلم‌های اکران شده در سال ۹۷ است و ساعد سهیلی، میترا حجار، بهاره کیان‌افشار، کامران تفتی، داریوش ارجمند و ... از بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

گفت‌وگو با کارگردان «دیدن این فیلم جرم است» فیلمی که این روزها حاشیه‌ها و حرف و حدیث‌های بسیاری ایجاد کرده است

سناریویی برای جدال قانون و آرمان

محمدصادق علیزاده
دبیر گروه فرهنگ

پیش از جشنواره نشستیم پای صحبت‌های رضا زهتابچیان، کارگردان جوان «دیدن این فیلم جرم است». فیلمی که حاشیه‌های زیادی ایجاد کرده و تا پیش از جشنواره هم حرف و حدیث‌های زیادی در مورد آن به گوش می‌رسید و حتی حضور یا عدم حضورش در جشنواره هم محل سؤال بود. در نهایت فیلم به جشنواره رسید و شب گذشته در پردیس سینمایی ملت به نمایش درآمد. فیلمی که در ابتدا آژانس شیشه‌ای ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا را به ذهن متبادر می‌کند. اتفاقی که کارگردان آن را نفی یا اثبات نمی‌کند و ناشی از منطق قصه می‌داند که کار خود را پیش برده است. با این حال، فیلم در حرفی که می‌زند بسیار تیزتر و جسورتر از آژانس شیشه‌ای است. با این حال شاید در مانایی و ماندگاری، آژانس موفق‌تر باشد. یك اثر خیلی تیز که علیه عافیت‌طلبی است و دستگاه‌ها و نهادهای بسیاری را درگیر درام خود می‌کند و عوامل سعی زیادی برای تعامل با این نهادها هم داشته‌اند. حسب شنیده‌های ما فعلا تا این مرحله بعضی نهادها مانند بسیج و سپاه پاسداران مشکلی با نمایش فیلم در جشنواره نداشته‌اند، ولی این‌که آیا این پالس مثبت به اکران عمومی هم خواهد رسید یا نه، بحث دیگری است. با این حال، آنچه در ادامه می‌آید متن پیاده شده یك گفت‌وگوی دوستانه و صمیمی است که رضا زهتابچیان در برابر علی رستگار، سجاد بلوکات و محمدصادق علیزاده نشست. گفت‌وگویی که تا نیمه‌شب طول کشید. به دلیل لو نرفتن اصل قضیه و همچنین بعضی صحبت‌های دوستانه غیرقابل انتشار، همه حرف‌های آن جلسه در این گفت‌وگو آورده نشده است. با این حال سعی کردیم تا جایی که ممکن است، بدون لو رفتن داستان، در این متن راجع به فیلم حرف بزنیم.

مهدی زمین‌پرداز در نمایی از فیلم «دیدن این فیم جرم است»؛ او را پیش از این با آثار محمد حسین مهدویان شناخته‌ایم

عکس: روابط عمومی فیلم

رضا زهتابچیان، کارگردان جوان «دیدن این فیلم جرم است» به جام جم می‌گوید به جریان یا جناح خاصی منتسب نیست

مهم‌ترین نکته فیلم ارجح دانستن آرمان به قانون است. این‌که آرمان فراتر از قانون است. البته این برای مردم هم دلچسب است. این یك خط ظریف فیلم است برای درآمدن یا نیامدن؛ چیزی که در آژانس شیشه‌ای هم دیده می‌شود. علاقه‌ای به آژانس دارید؟ نترسیدید این فیلم به دلیل شباهت با آژانس مردم آن را پس بزنند؟

تقریبا هیچ! آژانس فیلمی بود که همه آن را دوست داشتند. من هم یکی مثل همه ولی این‌که این فیلم در ذهنم برجسته شود، نه! فیلم‌هایی که در ذهنم برجسته بوده در نمونه‌های خارجی آثار مل گیبسون است. در نمونه‌های داخلی هم با ۷۰ درجه بالاتر، مجید مجیدی است. ذائقه فرمی من حاتمی‌کیا و مضمونی‌ام هم مجیدی است. اگر بخواهم یکی را اسم ببرم قطعا مجیدی است. فیلمساز برای من فقط مجیدی است و باقی، تجربه‌های سمعی و بصری!

چقدر خودتان به فراتر بودن آرمان بر قانون اعتقاد دارید؟

قطعا همین است. من خودم به این اعتقاد دارم. البته این را هم بگویم که درد شخصیت اصلی این است که به همین قانون هم عمل نمی‌شود. او به خاطر این‌که به قانون عمل نمی‌شود دست به آن کار می‌زند. در فیلم هم همین را می‌گوید که من داشتم روال قانونی را طی می‌کردم و کاری به کسی نداشتم ولی اینها نگذاشتند. در ادامه هم تاکید می‌کند که قانون برای امثال من قانون است، برای اینها تفریح.

فیلمنامه مربوط به الان است یا قبلا نوشته شده؟

هسته اصلی فیلمنامه متعلق به سال‌های ۸۴ و ۸۵ است و برای ساخت فقط به‌روزرسانی شده است. آن زمان که فیلمنامه را می‌نوشتم صرفا یك پیش‌بینی و در واقع از زمان خودش جلوتر بود. الان است که تبدیل به حرف روز شده. به وقت خودش ساخته نشد و اجازه ساخت پیدا نکرد. آن زمان که می‌نوشتم احساس کردم بعضی جاها شبیه آژانس شده است. با این حال برایم مهم نبود چون منطق قصه داشت کار خود را جلو می‌برد. البته این هم برایم مثبت نبود که شبیه فیلم دیگری باشد. با این حال برایم مشکلی نداشت. مشکلی هم ندارم که شبیه آژانس باشد. البته از نظر من این فیلم با آژانس تفاوت زیادی دارد.

آن بحث گروگان گرفتن که عین آژانس است!

به نکته خوبی اشاره کردید! موقعیت نمایشی آن شبیه آژانس است. کما این‌که آژانس را هم می‌گفتند شبیه بعدازظهر سگی است. از نظر حرارت حرفی که می‌زند و طعم و مزه و مقیاس، قابل مقایسه با آژانس نیست. صحبت‌های این فیلم، زیر و زبر را می‌جنباند. فیلم یك بار دیدن نیست. خیلی پیچیده است. در یك جبهه، به هم ریختن مرزها را می‌بینید. حق و باطل، فراتر از مرز و جناح و سیاست است. من فیلم ارزشی نساختم. رسالت من تطهیر و تقدیس بسیج نبوده است. به دنبال تکریم حق بودم، نه تقدیس بسیج، سپاه، دولت، ایران و زمین و آسمان و... در فیلم هم دیده‌اید که ما با هیچ‌کس تعارف نداریم. این‌که چقدر موفق بودیم یا نبودیم بحث دیگری است. دنیا فضای تغییر است. این را در فضای پایگاه کاملا می‌بینید! فیلم علیه همه چیز است به جز حق!

احساس می‌کنیم دیالوگ‌ها بیش از اندازه به مخاطب اطلاعات می‌دهد! خیلی در جهان کاراکترهای فیلم نمی‌رویم. چون این اتفاق نمی‌افتد انگاری حرف‌های شخصیت‌ها گنده‌تر از دهان آنهاست!

نمی‌دانم که این شکلی است یا نه!

این اتفاق در آژانس نمی‌افتد! در مورد فیلم شما احساس می‌کنم بیشتر از آن‌که فیلم ببینیم انگار داریم یك مانیفست و بیانیه می‌خوانیم.

خب اگر این اتفاق افتاده باشد خوب نیست. واقعا فرصتی برای وارد شدن به جهان کاراکترها نبود. ضمن این‌که بخشی از اطلاعاتی که راجع به شخصیت‌ها می‌بینید دارد عقبه و بك‌گراند را ارائه می‌دهد. یکی در هیات است، یکی بالای دیوار سفارت انگلیس، یکی در اردوهای جهادی است و دیگری هم دنبال دختربازی که برای معافیت سربازی به پایگاه بسیج آمده است.

به نظرم همه تلاش خودشان را کرده‌اند. شخصیت‌های پایگاه بسیج همه ناشناخته هستند، اما درست بازی کرده‌اند. شاید اگر بازیگران دیگری بازی کرده بودند اتفاق بهتری می‌افتاد.

تعدادی از بازیگرانی که پیشنهاد داده بودیم پای کار نیامدند. افرادی که اگر حروف اول اسم و فامیل‌شان را بگویم شما حتما می‌شناسید.

بازیگر خاصی را برای نقش‌ها مدنظر داشتید؟

به صورت پیش‌فرض بله! فیلمنامه را خواند و در نهایت با این‌که از آن خوشش آمده و امیدوار بود که روزی آن را روی پرده ببیند، پاسخ منفی داد. سراغ فرد دیگری رفتیم. فیلمنامه را خواند و گفت مضمون بسیار انسانی‌ای دارد با این حال پاسخ منفی داد، چون حاضر نبود در لباس بسیج ایفای نقش کند. فرد دیگری گفت ما شغلمان سینماست و اگر این نقش را بازی کنم در سینما بایکوت می‌شوم. با این حال من منتظر واکنش مخاطب عام هستم. جشنواره جایی است که فیلم را باید معرفی کرد تا مردم ببینند.

تنها بازیگری که شاید آثار دیگری هم از او دیده باشیم امیر آقایی است. او چند سال قبل هم این مساله بایکوت را مطرح کرده بود...

اثر ما این شکلی نیست که منتسب به جریان یا جناح خاصی باشد. حتی آن دوستانی هم که نیامدند علت نیامدن‌شان مثلا این نبود که فیلم حکومتی یا وابسته به جریان خاص سیاسی است. حتی فیلم را دوست داشتند و می‌گفتند چقدر خوب است که در فلان سکانس این حرف زده و این کار انجام می‌شود ولی خب در نهایت پای کار نیامدند.

کمی هم از سختی‌های تولید کار بگویید!

مجوز ساخت به ما نمی‌دادند. تا این‌که رسیدند به این‌که این فیلم آن سوی خط قرمزهاست. من گفتم تغییر نخواهم داد و اگر تغییر بدهم برای اصلاح و بهتر شدن خواهد بود، نه این‌که کسی به من گفته باشد. سال ۹۷ حوزه هنری پای کار آمد. مجوز کار هم به شخص ندادند. مجوز به صورت حقوقی به سازمان سینمایی حوزه هنری داده شد که البته آن هم مشروط بود. در حین تولید هم هیچ جا با ما همکاری نمی‌کردند و ما به‌شدت دست تنها بودیم. شرایط سختی بود.

ما منتظر بودیم یك ارتباط عاطفی بین شخصیت اول و همسرش برقرار شود، ولی این اتفاق نیفتاد. چیزی که مشابه آن را در آژانس هم دیدیم.

خب خط ارتباطی همه افرادی که در پایگاه هستند قطع شده است. آنتن ندارند.

پایان فیلم منتظر بودیم در گوش شخصیت منفی زده شود!

خوردن در گوش آن فرد کم است! بیشتر از آن لازم است.

دوگانه‌سازی ابتدای فیلم بین آن چند دختر نوجوان و آن دختر چادری هم قدری قابل باور نیست.

دوگانه‌سازی نیست. دنبال این کار نبودم. در فیلم این پازل را بین دختر چادری و آن چند دختر ایجاد کردیم که مشخص شود، آزاری که آن فرد برای دختر چادری ایجاد می‌کند ناشی از نیاز کاراکتر به زن نیست، چرا که اگر از این ناحیه دست به آن کار زده بود باید ابتدا برای آن چند دختر جوان ایجاد مزاحمت می‌کرد و بعد می‌رفت سراغ شخصیت چادری.